نگاه سیاستمدار

روزی بزرگ برای عراق

پل برمر*
ترجمه: حسن بنانج

جورج بوش سفر خود را به بغداد به انجام رساند. او به نوری کمال‌المالکی، نخست‌وزیر جدید عراق گفت: «بدون شرمندگی به چشمانت نگاه می‌کنم.» با این حال این ملاقات غیرمترقبه چیزی بیش از یک ارتباط مستقیم بود. این دیدار تابلویی از رویدادهایی شگرف هفته گذشته بود که هم نمایانگر آینده عراق و هم جنگ علیه تروریسم هستند. وی در حالی که در سالن یکی از کاخ‌های سابق عراق ایستاده بود، از عراقی‌ها خواست که «این لحظه را قدر بشناسند». اکنون نشانه‌ها حاکی است که آنها در حال رسیدن به چنین درکی هستند. به یمن تلاش‌های مردان و زنان ارتش آمریکا، دعای میلیون‌ها عراقی با مرگ «پرنس» القاعده در عراق اجابت شد. ابومصعب زرقاوی مسئول کشتار هولناک هزاران عراقی بی‌گناه بود. او از هدف القاعده در به قتل رساندن آمریکایی‌ها حمایت می‌کرد و خودش تعدادی از شهروندان ما را جلوی دوربین ویدئویی سر برید. تجربه در مواجهه با گروه‌های تروریستی در ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد که مرگ زرقاوی به سه طریق به جنگ علیه تروریسم کمک خواهد کرد. اول، خارج کردن یکی از رهبران تروریست از صحنه که اهمیتی نمادین دارد. گروه‌های تروریستی برای گرفتن انگیزه و الهام، مرید و وابسته به یک رهبر کاریزماتیک هستند. پیامدهای مرگ رزقاوی به دلیل جنگ گسترده‌ای که القاعده علیه غرب اعلام کرده، فراتر از مرزهای عراق است. در حالی که بن لادن همچنان مخفی است، زرقاوی مهمترین عامل القاعده به حساب می‌آمد. او اکنون حذف شده است. دوم، این واقعه تنش‌های داخلی در القاعده را تشدید خواهد کرد. سازمان‌های تروریستی در زمینه سوءظن، مرموز و ضربه‌پذیر هستند. اطلاعات محرمانه‌ای که ما را به زرقاوی رساندند، از درون سازمان او به بیرون درز کردند. بی‌شک این موضوع موجب نگرانی سایر جانیان در این سازمان خواهد شد. آنها به کدام یک از همقطارانشان می‌توانند اعتماد داشته باشند؟ در گذشته این عدم اطمینان به نزاع مرگبار و حتی جنگ در درون گروه‌های تروریستی منجر شده است. افزون بر این میزان اطلاعات به دست آمده از عراقی‌ها در سال گذشته ده برابر شده‌اند که بیانگر خسته شدن آنها از وحشی‌گری تروریست‌ها است. سوم، مرگ یک رهبر تروریست بر کارایی عملیاتی این گروه، دست‌کم در دوره‌ای کوتاه، تاثیری جدی دارد. اعضای گروه مسیر را گم کرده‌اند، بسیاری از آنها در تلاش هستند تا رهبر جدید شوند. سوءظن و عدم اطمینان دست‌کم توان آنان را برای اتخاذ یک راهبرد در حملات هماهنگ، تحلیل خواهد داد. اما مرگ زرقاوی یک مرحله مهم است، نه یک پیروزی. بی‌شک خشونت و تروریسم بیشتری را شاهد خواهیم بود. این پدیده‌ای جدید در دو سال گذشته است در ۱۴ ماهی که من در عراق بودم نیروهای ائتلاف در حدود ۱۰۰ قتل مرتبط با فرقه‌گرایی را تایید کردند. تحریک نزاع قومی میان شیعیان و سنی‌ها، هدف صریح زرقاوی بود. او تمام شیعیان را مرتد می‌دانست و کورکورانه مردان، زنان و کودکان شیعه را به قتل می‌رساند. وقتی نیروهای امنیتی عراق و نظامیان ائتلاف نشان دادند که در توقف حملات ناتوان هستند، برخی از شیعیان به نیروهای خود متوسل شده و دست به اقدامات انتقامجویانه زدند. با وجود خشونت و تروریسم در عراق، این کشور پیشرفت‌های سیاسی شگرفی داشته است. زرقاوی دو سال پیش در نامه‌ای غیرمعمول به پیروانش گفت که دموکراسی در حال ظهور در عراق است و در یک عراق دموکراتیک، جایی برای آنان نیست. در هنگام برگزاری سه انتخابات در سال گذشته، خشم و نفرت زرقاوی نسبت به دموکراسی در پیامش به مردم عراق کاملاً هویدا شد: «رای بدهید، کشته می‌شوید.» از این رو هر عراقی که به پای صندوق رای می‌آمد، زندگی‌اش را به خطر می‌انداخت. با این وجود در انتخابات ۱۵ دسامبر میزان مشارکت مردم بیشتر از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا طی ۱۳۰ سال گذشته بود. اصلی‌ترین رمز موفقیت در عراق برقراری امنیت است و اصلی‌ترین راه دستیابی به امنیت نیز ناکام گذاردن شورش سنی‌ها است. این اقدام می‌تواند به حمایت القاعده از آنان خاتمه داده و بهانه شبه‌نظامیان شیعه را برای گرفتن کنترل اوضاع از دستشان خارج خواهد کرد. این موفقیت فرصتی به دولت عراق خواهد داد تا اقتصاد را احیا کرده و به مسیر خود به سوی دموکراسی تمام‌عیار، ادامه دهد. آنچه ضرورت دارد، انجام یک عملیات نظامی برای شکست شورشیان است. در این طرح عملیاتی باید سئوالاتی که در مورد تعداد، نوع و آرایش نیروهای ائتلاف وجود دارد، مورد توجه قرار گیرند. بیانیه هفته پیش نخست‌وزیر عراق در مورد یک عملیات بزرگ برای تامین امنیت عراق ممکن است اولین گام در جهت چنین طرحی باشد. ما باید هم اکنون با حمایت در حد توان خود از دولت عراق، قدر این فرصت را بدانیم. بوش در کنفرانس مطبوعاتی خود گفت که موفقیت نهایی به عراقی‌ها بستگی دارد و این درست است. اما وی در عین حال تاکید کرد که ما نیز آن چه لازم باشد برای تحقق هرچه بهتر این موفقیت، انجام خواهیم داد. این در حالی است که برخی در آمریکا از تعیین جدول زمانی برای عقب‌نشینی نیروهای‌مان سخن می‌گویند. عقب‌نشینی نیروهای ما پیش از آن که عراقی‌ها توانایی دفاع از خود را پیدا کنند، موجب تشویق تروریسم شده و امنیت آمریکا را به مخاطره خواهد انداخت. این خیانت به دولت دموکراتیک عراق و بی‌احترامی به رشادت‌های مردان و زنان نظامی ما خواهد بود. تمام تماشاگران نمایش عراق – مردم عراق، مردم آمریکا و تروریست‌ها در هر جایی از دنیا – باید بدانند که اهداف ما در این کشور پیروزی است و ما هر چه که لازم باشد برای مسلط شدن به انجام می‌رسانیم.

*** برمر نماینده رئیس جمهور آمریکا در عراق و رئیس کمیسیون ملی دوحزبی در مورد تروریسم**

پیامدهای اجتماعی –فرهنگی سیاست‌های اقتصادی پوپولیستی

بحران انتظارات فزاینده

منظور از بحران انتظارات فزاینده وقوع وضعیتی است که در آن افزایش در سطح یا اهمیت انتظارات در نزد انسان‌ها همراه با افزایش مشابهی در توانایی‌های آنها برای تحقق آن انتظارات نباشد. این وضعیت به افزایش احساس محرومیت نسبی در افراد منجر می‌شود که پتانسیل نارضایتی فزاینده و همچنین دست‌زدن به واکنش‌های خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد.

یکی از مهمترین منابع ایجاد انتظارات فزاینده، بهبود و ارتقای کوتاه‌مدت یا میان‌مدت موقعیت فعلی افراد است. بدین معنا که هرگاه پس از دوره کوتاه‌مدت یا میان‌مدتی از بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی، به دلایلی ادامه این بهبود و سیر صعودی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد با مشکل مواجه شده و سیر ثابت یا نزولی به خود بگیرد، انتظارات افراد با همان سرعت به وضعیت ثابت یا نزولی بازنخواهد گشت و همین امر، عدم تعادل و شکاف میان انتظارات و توانایی‌های افراد برای تحقق آن انتظارات را موجب خواهد شد. این شکاف چنانکه گفته شد، به صورت زنجیروار به احساس محرومیت نسبی (منظور احساس محرومیت نسبت به وضعیت گذشته افراد)، احساس نارضایتی و افزایش پتانسیل واکنش‌های خشونت‌آمیز از سوی افراد منجر خواهد شد. در واقع، یک قاعده روان‌شناختی در میان انسان‌هاست که افراد به سرعت خواهان چیزهایی می‌شوند که فراتر از ابزار اجتماعی‌شان است و هنگامی که مشخص شد این ابزار کافی نیست به سرعت به خشم می‌آیند، اما محدودیت‌های خود را به کندی می‌پذیرند.

■■■

پس از مروری کوتاه بر معنا و مفهوم انتظارات فزاینده و شرایط وقوع آن، حال نوبت آن است تا به چگونگی رخداد این وضعیت در نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت جدید در جامعه ایران بپردازیم. در حقیقت، به پاسخگویی به پرسش دوم این گفتار خواهیم پرداخت. بدین معنا که چگونه سیاست‌های اقتصادی دولت به بحران «انتظارات فزاینده» در حوزه اجتماعی– فرهنگی جامعه ایران منجر خواهد شد؟ بدین منظور قبل از هرچیز مروری کوتاه خواهیم داشت بر سیاست‌های اقتصادی دولت در ماه‌های اخیر و همچنین روح کلی حاکم بر لایحه بودجه ۸۵.

رویکرد دولت جدید از زمان روی کار آمدن تاکنون عمدتاً گسترش عدالت اقتصادی و ارتقای رفاه اجتماعی «بردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم» عنوان شده است. این امر عمدتاً در قالب یارانه‌ها و مهم‌تر از آن «وام»های متعددی تحقق یافته است که به انحای مختلف در اختیار مردم قرار گرفته است. پرداخت بیش از ۵۹ میلیارد تومان وام به زوج‌های جوان تهرانی (ایسنا، ۸۴/۸/۸)، اختصاص ۶۰ میلیارد تومان وام به دانشجویان کم‌بضاعت (ایسنا، ۸۴/۹/۹)، پرداخت وام مسکن به کارگران و کارمندان کم‌درآمد تا ۵۰ برابر حقوق (ایسنا، ۸۴/۹/۱۵)، اختصاص ۴۰ میلیارد ریال وام شهریه برای دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور (ایسنا، ۸۴/۱۰/۳)، اعطای تسهیلات برای کمک خرید مسکن تا سقف ۱۰ میلیون تومان (ایسنا، ۸۴/۱۱/۵)، پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مستاجران کم‌درآمد تا سقف ۳ میلیون تومان (۸۴/۱۱/۱۵) و نمونه‌های بسیار دیگری مانند موارد ذکر شده تنها گوشه کوچکی از سیاست‌های اقتصادی دولت جدید در ماه‌های اخیر بوده است.

همچنین دولت ضمن سفرهای استانی خود به پنج استان خراسان جنوبی، ایلام، سیستان و بلوچستان، قم و هرمزگان ۶۲۵ میلیارد تومان تعهد ایجاد کرده است. بر این اساس، دولت مجموعاً در سال جاری ۲۸۰۸/۳۲ و برای سال آینده ۳۴۷۹/۷۴ میلیارد ریال تعهد ایجاد کرده است. همچنین تخصیص ۷۱۱۵ میلیارد ریال تسهیلات ریالی و معادل ۱۰۵۰ میلیون دلار تسهیلات ارزی برای سال ۸۴ و ۲۰۰۰ میلیارد ریال تسهیلات ریالی برای سال ۸۵ در سفرهای دولت برای اعطا به پنج استان مصوب شده است. (هفته‌نامه برنامه، ۸۴/۱۱/۲۳) این ارقام نشانگر وسعت و گستردگی اقدامات دولت در جهت تحقق اهداف خود است. گرچه صاحب‌نظران معتقدند چنین سیاست‌هایی در بلندمدت نه‌تنها اهداف مورد نظر دولت را تحقق نخواهد بخشید، بلکه پیامدهای اقتصادی نامطلوبی را به‌خصوص برای اقشار محروم و کم‌درآمد در پی خواهد داشت.

سیاست‌های اقتصادی فوق، در پنج ماه تصدی دولت جدید در سال ۸۴، در نهایت باعث ارائه دو لایحه متمم بودجه برای سال ۸۴ شد که در تاریخ بعد از انقلاب سابقه نداشته است زیرا در زمان بحران‌های جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و کاهش درآمدهای نفتی حداکثر یک متمم بودجه از طرف دولت‌های وقت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده بود.

در عین حال، بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند روح حاکم بر لایحه بودجه ۸۵ ایجاد یک رفاه اقتصادی کوتاه‌مدت به شکل افزایش دستمزدها، جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی، افزایش یارانه‌ها و تسهیلات بانکی مانند وام‌های کم‌بهره و... است. رفاه اقتصادی ایجاد شده از آن‌رو کوتاه‌مدت تلقی می‌شود که پس از مدتی آثار سوء و پیامدهای ناخواسته و نامطلوب اقتصادی سیاست‌های در پیش گرفته شده از سوی دولت نمایان شده و ادامه رونق و رفاه به‌وجود آمده را با مشکلات جدید مواجه خواهد کرد. اما چنان که در ابتدای این گفتار نیز اشاره شد، هدف اصلی ما در اینجا برشمردن پیامدهای نامطلوب اقتصادی سیاست‌های دولت جدید نیست چرا که در این زمینه صاحب‌نظران و متخصصان اظهارنظرهای بسیاری کرده‌اند. رویکرد اصلی ما در این گفتار تاکید بر پیامدهای اجتماعی– فرهنگی سیاست‌های اقتصادی است که چنان که گفته شد در شکل بحران انتظارات فزاینده ظاهر می‌شود.

در ماه‌های اخیر، ارائه لایحه بودجه ۱۳۸۵ از سوی دولت بحث‌ها، نظرات و انتقادات بسیاری را از سوی صاحب‌نظران عمدتاً اقتصادی در پی داشته است. به عبارت دیگر، بودجه ۸۵ غالباً از منظر پیامدهای اقتصادی آن مورد توجه قرار گرفته است. رشد نقدینگی و تورم، شکاف میان لایحه بودجه و برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، تشدید وابستگی به درآمدهای نفتی، گسترش بخش دولتی غیرکارا و همچنین احتمال خطر ابتلای اقتصاد ایران به بیماری موسوم به بیماری هلندی از مهمترین مواردی بوده‌اند که به عنوان پیامدهای نامطلوب اقتصادی این لایحه به آنها اشاره شده است. اما سیاست‌های اقتصادی دولت فربهی مانند دولت ایران تنها دارای پیامدهای اقتصادی نیست، بلکه در همه وجوه اجتماعی– فرهنگی جامعه آثار و نمودهای بسیاری را به‌دنبال خواهد داشت. آثار و پیامدهایی که ماهیتاً عمیق‌تر و بلندمدت‌تر از سیاست‌های اقتصادی بوده و تغییر آنها با برنامه‌ریزی‌های دولتی و از بالا امکان‌پذیر نیست. این در حالی است که در مباحث اخیر آثار و پیامدهای اجتماعی– فرهنگی سیاست‌های اقتصادی دولت جدید که نمود جامع و اصلی خود را در قالب لایحه بودجه کل کشور به نمایش می‌گذارد، با بی‌توجهی و غفلت مواجه شده است. در گفتار حاضر، سعی شده است به مهمترین پیامدهای اجتماعی– فرهنگی سیاست‌های اقتصادی دولت، با تاکید بر لایحه بودجه ۸۵ پرداخته شود. این پیامدها ذیل عنوان کلی «بحران انتظارات فزاینده» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. براین اساس، پرسش‌های محوری که این گفتار سعی در تشریح و پاسخگویی بدان‌ها دارد به شرح زیر است: ۱– منظور از بحران انتظارات فزاینده چیست؟ ۲– چگونه سیاست‌های اقتصادی دولت به بحران «انتظارات فزاینده» در حوزه اجتماعی– فرهنگی جامعه ایران منجر خواهد شد؟ ۳– راهبردهای اجتناب از بحران انتظارات فزاینده در جامعه ایران در سال‌های آتی چیست؟

بخش اول

سیاست‌های اقتصادی تشریح شده در سطور قبل، حاکی از ارتقای وضعیت اقتصادی افراد در کوتاه‌مدت است. این ارتقای وضعیت انتظارات آنان را بر مبنای ادامه این سیر صعودی و یا حداقل ثبات آن شکل خواهد داد. این در حالی است که شرایط داخلی و خارجی کشور به هیچ‌وجه ادامه این روند را نه‌تنها تضمین نمی‌نماید، بلکه بروز شرایطی متفاوت با پیش‌بینی‌های دولت در سال ۸۵ را محتمل‌تر می‌کند.

در داخل مکانیسم سیاست‌های اقتصادی دولت به‌گونه‌ای عمل خواهد کرد که ادامه روند موجود در بلندمدت ناممکن می‌شود. چنان که نرخ تورم بی‌سابقه در نتیجه رشد نقدینگی تحقق بسیاری از وعده‌های دولت در زمینه افزایش رفاه اقتصادی محرومان و اقشار کم‌درآمد را با مشکلات جدی مواجه می‌کند.

اما مهمتر از شرایط داخلی، شرایط خاص بین‌المللی و خارجی است که پیش‌بینی خوشبینانه دولت درباره ادامه روند درآمدهای بالای نفتی را با تردیدهای جدی مواجه می‌کند. در حالی که ارسال گزارش پرونده ایران به شورای امنیت در کنار مواضع سرسختانه نظام جمهوری اسلامی ایران در حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و کارشکنی‌های آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، احتمال وضع تحریم‌هایی را در مورد ایران شکل می‌دهد، افزایش انتظارات اقتصادی عموم مردم تا حد زیادی از عقلانیت به دور است چرا که در صورت مواجهه کشور با شرایط دشوار، انتظار دولت از مردم بیشتر بر محور ریاضت‌های اقتصادی است.

این در حالی است که رفاه کوتاه‌مدت شکل گرفته و مقایسه آن با شرایط دشوار کشور در صورت تحریم‌های بین‌المللی احساس محرومیت نسبی را در مردم افزایش خواهد داد و نارضایتی آنها را افزایش داده و بعضاً باور به ناکارآمدی دولت در زمینه اقتصادی را تقویت خواهد کرد. توجه دولتمردان و سیاستگزاران به این نکته ضروری است که شرایط روحی– روانی اکثریت افراد جامعه بسیار متفاوت با شرایط روحی– روانی آنها درزمان جنگ تحمیلی است. به‌خصوص سیاست‌های مجلس هفتم و دولت جدید مانند رویکرد «تثبیت قیمت‌ها» به رفاه نسبی و به صورت اجتناب‌ناپذیر به تقویت فرهنگ مصرف‌گرایی منجر شده است. شرایط فعلی مردم تا حد زیادی با شرایط مردم در دهه ۶۰ متفاوت است و انتظار از آنها برای تحمل ریاضت‌های اقتصادی به‌دور از واقعیت است، آن هم در زمانی که با افزایش بی‌سابقه قیمت نفت و افزایش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر، واردات کالاهای مصرفی شدت یافته و فرهنگ مصرف در جامعه نهادینه شده است.

تجربه تاریخی جامعه ایران نیز شاهدی بر مدعای اصلی این گفتار است. افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی دارای یک سابقه تامل برانگیز در ایران است. به‌طوری که بسیاری از صاحب‌نظران شرایط اقتصادی امروز کشور را با شرایط اقتصادی کشور در سال‌های ۱۳۵۳–۱۳۵۲ مقایسه می‌کنند. با این تفاوت که حکومت محمدرضا پهلوی در آن سال‌ها به هیچ‌وجه با چالش‌های خارجی که امروز نظام جمهوری اسلامی با آنها درگیر است، روبه‌رو نبود. مرور حساب‌های مالی ایران از سال ۱۳۳۸ تا آستانه افزایش ناگهانی قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ نشان‌دهنده نرخ تورم یک‌رقمی و رشد اقتصادی دورقمی طی این مدت است. این نسبت از سال ۱۳۵۲ به بعد که قیمت نفت خام افزایش یافت، معکوس و رشد اقتصاد ایران تک‌رقمی و نرخ تورم دورقمی شد. شاید ذکر این نکته خالی از فایده نباشد که بسیاری از تحلیل‌ها در باب انقلاب ایران عامل بحران انتظارات فزاینده را به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در وقوع انقلاب در ایران مطرح می‌نمایند. «دیویس» وقوع انقلاب‌ها را به سرخوردگی ناشی از افول کوتاه‌مدت دستاوردها در پی افزایش بلندمدتی می‌داند که انتظار افزایش مستمر را پدید می‌آورد. «لرنر» نیز به همین ترتیب شکاف میان خواسته‌های مردم و آنچه را دارند عامل سرخوردگی معرفی می‌کند و پیامدهای انقلابی آن را مطرح می‌سازد. «شیوع سرخوردگی در مناطقی با توسعه‌ای آرام‌تر از آنچه مردمانشان خواهانند، ممکن است نتیجه عدم تعادل شدید میان دستاوردها و آرزوها تلقی شود. در چنین حالتی، آرزوها و بلندپروازی‌ها از دستاوردها پیشی می‌گیرند، تا آن حد که بسیاری از مردم، حتی اگر پیشرفتی نیز به سمت اهداف خود داشته باشند، ناراضی می‌شوند؛ چون کمتر از آنچه می‌خواهند، به‌دست می‌آورند.» از دیدگاه این نظرات، افزایش ناگهانی قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ و تزریق نسنجیده این منابع مالی انبوه در جامعه موجب توقعات فزاینده مردم شد. با چهاربرابر شدن قیمت نفت در این سال و رشد ناگهانی درآمدهای نفتی، دولت محمدرضا پهلوی با طرح شعار آموزش رایگان و کاهش قیمت کالاهای اساسی انتظارات عمومی را افزایش داد. این در حالی است که برنامه‌های اقتصادی در پیش گرفته شده پس از مدتی پیامدها و آثار منفی خود را نمایان ساخت. تورم شدید یکی از اصلی‌ترین این پیامدها بود. در نهایت، کاهش قیمت نفت، وقوع رکود اقتصادی در سال‌های ۱۳۵۷–۱۳۵۶ و عدم موفقیت اقتصادی (یا حداقل یک مکث در روند اقتصادی) باعث ناکامی انتظارات فزاینده مردم در دوران رفاه و رونق اقتصادی، ایجاد نارضایتی و نهایتاً بحران سیاسی شد. در واقع از سال ۱۳۵۵ به دلیل افزایش حجم نقدینگی نرخ تورم سالانه کشور تا سال ۱۳۵۷ به‌طور متوسط به ۳۵ درصد رسید. در همین حال، به دلیل رشد واردات و کاهش سطح تولید داخلی همزمان با کاهش ۱۴ درصدی درآمدهای نفتی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ دوره‌ای از رکود اقتصادی آغاز شد. این در شرایطی بود که دولت خود را متعهد به صرف هزینه‌های هنگفت عمومی کرده بود و کاهش درآمدهای نفتی به دلیل کاهش قیمت نفت در پی پایان مناقشه اعراب و اسرائیل سبب کاهش توانایی عملی دولت در پاسخگویی به مطالبات عمومی شده بود. بنابراین نارضایتی عمومی تا سال ۱۳۵۷ سیر صعودی داشت. البته معنای این سخنان به هیچ‌وجه این نیست که سیاست‌های اقتصادی دولت جدید ایران را در وضعیت انقلابی قرار خواهد داد؛ چرا که وقوع یک انقلاب اجتماعی معلول وجود زمینه‌ها و علل اجتماعی– فرهنگی بسیاری است که به نظر نمی‌رسد جامعه ایران در حال حاضر دارای چنین زمینه‌ها و شرایطی باشد، اما تشابه بسیار زیاد وضعیت اقتصادی امروز با شرایط و سیاست‌های اقتصادی سال‌های نیمه دهه ۵۰ (مانند شکل‌گیری رفاه اقتصادی کوتاه‌مدت به همراه پیش‌بینی نرخ تورم بی‌سابقه و همچنین احتمال سقوط درآمدهای نفتی)، بحران‌های اجتماعی– فرهنگی، ناکامی انتظارات فزاینده افراد و احتمالاً واکنش‌های خشونت‌آمیز در مقیاس کوچک مانند شورش‌های منطقه‌ای به ویژه در مناطق محروم را به دنبال خواهد داشت. وابسته کردن مستقیم اقشار ضعیف و کم‌درآمد به منابع حاصل از فروش نفت خام از طریق اعطای یارانه‌ها، وام و تسهیلات دیگر آنها را بیش از دیگر اقشار در مقابل سقوط قیمت نفت و کاهش محسوس درآمدهای نفتی آسیب‌پذیر، ناراضی و نهایتاً خشمگین خواهد ساخت.

در واقع یافته‌های پژوهش‌های جهانی نشانگر آن است که ملاحظه اصلی مردم جهان معطوف به ارزش‌های مادی است، تقریباً نیمی از ارزش‌های ذکر شده از سوی مردم در کشورهای مختلف جهان در این دسته هستند. مانند بیم و امید نسبت به سطح زندگی، بهداشت، پیشرفت‌های فناوری، ثبات اقتصادی و مالکیت خانه یا زمین. ملل مختلف از حیث اهمیت دادن به ارزش‌های مادی تفاوت چشمگیری با یکدیگر ندارند. حداقل ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان هر کشور بیم یا امید خود را نسبت به وضعیت اقتصادی شخصی ابراز داشتند. امیدهای اقتصادی شخصی شایع‌ترین امیدهایی بود که در میان هر ملت ابراز شد و شایع‌ترین بیم در میان تمامی ملل به استثنای سه ملت غربی که بیشتر به بهداشت اهمیت می‌دادند، هراس از وضعیت وخیم اقتصادی بود.

بر این اساس اعلام یک برنامه اصلاحی اقتصادی برای فائق آمدن بر نارضایتی عمومی ممکن است پتانسیل آنی نارضایتی و بعضاً خشونت را کاهش دهد. اما زمانی که با شکست مواجه شود، پتانسیل نارضایتی و خشونت را در بلندمدت افزایش خواهد داد و نوک تیز خود را متوجه اصلاح‌گران آینده خواهد ساخت.

گذشته از پیامدهای اجتماعی– فرهنگی لایحه بودجه ۸۵ که ذیل عنوان «بحران انتظارات فزاینده» قابل صورت‌بندی بوده و محور اصلی این گزارش را نیز تشکیل می‌دهد، بر لایحه بودجه از منظر اجتماعی ـ فرهنگی حداقل دو انتقاد دیگر نیز وارد است:

الف - استفاده بی‌رویه و فراتر از آنچه در قانون برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی شده است از صندوق ذخیره ارزی (با احتساب نرخ ۳۹/۳ دلار برای هر بشکه نفت خام در بودجه سال آینده دولت ۱۶/۴ میلیارد دلار از منابع حساب ذخیره ارزی برداشت خواهد کرد)، منجر به رشد شدید واردات (که برای تامین ارقام ریالی بودجه غیرقابل اجتناب خواهد بود) خواهد شد و این امر گذشته از پیامدهای اقتصادی مانند تضعیف قدرت رقابت کالاهای تولید داخل، کاهش اشتغال و افزایش بیکاری، پیامدهای فرهنگی آسیب‌زایی نیز به دنبال خواهد داشت که مهم‌ترین آن رواج فرهنگ مصرف‌گرایی در میان توده مردم است.

ب– اما لایحه بودجه ۱۳۸۵ از منظر اعتبارات تخصیص‌یافته به نهادها و سازمان‌های آموزشی و پژوهشی نیز قابل نقد و ارزیابی است. در سند چشم‌انداز ملی بیست‌ساله کشور آمده است: «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل.» همچنین روح حاکم بر قانون برنامه چهارم توسعه که مبدأ و شروع چشم‌انداز بیست ساله است، رشد اقتصاد ملی دانایی‌محور در تعامل با اقتصاد جهانی است. بنابراین برای تحقق اهداف مذکور می‌بایست آن‌گونه که در برنامه چهارم پیش‌بینی شده است، تحقیقات به ویژه پژوهش‌های تقاضامحور و ماموریت‌گرا در برنامه‌ریزی‌ها جایگاه مناسب خود را داشته باشد. اما به نظر می‌رسد، رویکرد تدوین‌کنندگان لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ متناسب با اهداف دو سند فوق‌الذکر نبوده است که این یک آسیب جدی در فرآیند توسعه علمی و تکنولوژیکی کشور است. در ماده ۴۶ قانون برنامه چهارم توسعه، افزایش یکنواخت سرمایه‌گذاری دولت در امر پژوهش و فناوری به میزان حداقل دو درصد تولید ناخالص داخلی از محل اعتبارات عمومی دستگاه‌های اجرایی و یک درصد درآمد عملیاتی شرکت‌های دولتی، بانک‌ها (به استثنای سود سپرده‌های بانکی) و موسسات انتفاعی وابسته به دولت و بخش غیردولتی تا پایان برنامه چهارم و سمت‌دهی سرمایه‌گذاری‌های فوق در جهت پژوهش‌های ماموریت‌گرا و تقاضامحور مورد تاکید قرار گرفته است. بر این اساس می‌بایست اعتبار تحقیقات کشور در سال ۱۳۸۵ به ۱/۵ درصد تولید ناخالص داخلی برسد، اما مطابق لایحه بودجه این اعتبار به ۰/۴۵ درصد کاهش یافته است که عملاً کمتر از یک سوم میزان پیش‌بینی شده بوده و حتی از بودجه پژوهشی در سال ۱۳۸۴ نیز کمتر است. این میزان بودجه پژوهشی که مطابق لایحه به صورت مستقیم به دانشگاه‌ها پرداخت می‌شود و همچنین حذف اعتبارات ویژه تحقیقات برای شرکت‌های دولتی، عملاً باعث تعطیلی بسیاری از موسسات پژوهشی مستقل شده و بیکاری فزاینده پژوهشگران این موسسات را به دنبال خواهد داشت.

*** این مقاله توسط معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک تهیه شده است.**

نیم نگاه

بحران انتظارات فزاینده وقوع وضعیتی است که در آن افزایش در سطح یا اهمیت انتظارات در نزد انسان‌ها همراه با افزایش مشابهی در توانایی‌های آنها برای تحقق آن انتظارات نباشد. این وضعیت به افزایش احساس محرومیت نسبی در افراد منجر می‌شود که پتانسیل نارضایتی فزاینده و همچنین دست‌زدن به واکنش‌های خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد. یکی از مهمترین منابع ایجاد انتظارات فزاینده، بهبود و ارتقای کوتاه‌مدت یا میان‌مدت موقعیت فعلی افراد است.

▲ تد گار، نظریه‌پرداز انتظارات فزاینده و محرومیت نسبی

نگاه روزنامه‌نگار

تغییر پروتستان‌های انجیلی*

ا. د. دیونه
ترجمه: دانیال شاه‌زمانیان

برخی اوقات به انتخاباتی مهم بسیار کم توجه می‌کنیم. این هفته در همایش باپتیست‌های[1] جنوبی در گرینسبوروی (Greensboro) کارولینای شمالی، روحانی فرانک پیج (Frank Page) به عنوان رهبر این انجمن انتخاب شد. این خبر تنها در صفحات آخر روزنامه‌های سکولار چاپ شد و حتی در برخی روزنامه‌ها اصلاً خبری از این رویداد مهم درج نشد. اما پیروزی غیرمنتظره پیج می‌تواند، برای زندگی مذهبی مردم و حتی برای زندگی سیاسی آنها بسیار پراهمیت باشد. او نامزدهای دیگری را که از حمایت وفادارانه تشکیلات محافظه‌کاران در این همایش برخوردار بودند شکست داد. تشکیلات محافظه‌کاران از اواسط دهه ۱۹۸۰ بر این سازمان تسلط دارد. این پیروزی علامتی است که نشان می‌دهد نسیم‌های ملایمی در درون دنیای مسیحیان انجیلی وزیدن گرفته است. این پیروزی تنها یک پیروزی ساده لیبرال نیست. باپتیست پرس (Baptist Press) گزارش داد که پیج راه خود را کج کرد و به سوی خبرنگاران آمد تا به خبرنگاران بگوید که او انتخاب نشده تا «هر جور که هست به تجدید حیات محافظه‌کاری» در میان انجمن انجیلی‌ها برخیزد. اما او اشاره کرد روحی که او می‌خواهد به آن تجسم بخشد چیزی است کاملاً متفاوت از روح واعظانه خشک و دست‌راستی و سیاست‌زده که دو دهه است به تصویری پیش‌پاافتاده در زندگی آمریکایی تبدیل شده است. پیج می‌گوید: «من به کلام خدا ایمان دارم اما نمی‌گویم که به هیچ صدای دیگری گوش نخواهم داد.» این تغییر ملایم در مسیحیت انجیلی می‌تواند یکی از بزرگترین ماجراهای این دهه در زندگی دینی آمریکا باشد. تطور جنبش انجیلی نباید با خیزش چپ‌های مذهبی اشتباه گرفته شود. هرچند ممکن است هواداری از حزب جمهوریخواهان در میان سفیدپوستان انجیلی از میزان بالایی که در انتخابات ۲۰۰۴ برخوردار بود کمتر شده باشد اما اکثریت مهمی از سفیدپوستان انجیلی هنوز محافظه‌کارند و به حمایت خود از جمهوریخواهان ادامه می‌دهند. اما با این وجود برنامه سیاسی انجیلی‌ها با پافشاری عده‌ای بر ضرورت طرح موضوعاتی مانند فقر کشورهای جهان سوم، مبارزه جهانی بر ضد AIDS و قاچاق انسان گسترده‌تر شده است. دیدگاه‌های ترقیخواهانه‌ای نسبت به وظیفه‌های دینی مسیحیان وجود دارد که می‌توان از میان نمایندگان آن به ریک وارن (Rick Warren) پیشوای روحانی کلیسای سدل‌بک در منطقه لیک‌فارست (Lake Forest) و نویسنده کتاب «هدف از زندگی» اشاره کرد. در این ضمن ریک کیزیک معاون امور دولتی انجمن ملی انجیلی‌ها (و نیز رهبر جنبش خودخوانده «محافظه‌کاران پیرو رونالد ریگان») رهبر کسانی بود که در میان انجیلی‌ها نظارت‌های زیست‌محیطی را به عنصر مهمی در ماموریت سیاسی انجیلی‌ها تبدیل کند. این قضیه موجب حملات زیادی به او از جانب رهبران دست‌راستی مسیحیان مانند جیمز دابسون شد. در انتخابات انجیلی‌های جنوبی، پیج که پیشوای روحانی اولین کلیسای باپتیست در منطقه تیلور در کالیفرنیای جنوبی بود، دو نامزد دیگر را که ارتباط نزدیک‌تری با رهبران جناح محافظه‌کار انجمن انجیلی‌ها داشتند شکست داد. این انتخابات مهم بود چرا که همایش انجیلی‌های جنوبی همواره انجمنی بود منسوب به دست‌راستی‌هایی که حملات تندی به میانه‌روها و محافظه‌کاران انجام می‌داد. در واکنش به پاکسازی و شدتی که با افراد مخالف در این انجمن صورت گرفت، باپتیست‌های میانه‌رو و ترقیخواه سازمان‌های جدیدی تشکیل دادند؛ مانند مرکز اخلاقی باپتیست‌ها. مدیر اجرایی این مرکز می‌گوید که اهمیت دادن بیش از حد به پیروزی پیج در این انتخابات اشتباه است.» بیل لئونارد رئیس دانشکده الهیات ویک‌فارست (Wake Forest) بسیار با گفته‌های او موافق است. اما می‌گوید که بسیاری از باپتیست‌ها نسبت به ثبات یا کاهش تعداد اعضای انجمن و افزایش محبوبیت کلیساهای گمنامی مانند کلیسای وارن حساس هستند. او می‌گوید انتخابات نشان می‌دهد که رهبران این مذهب که نسبت به مسائل الاهیاتی و اجتماعی به سختی راست هستند و این مذهب را به این راه کشانده‌